

۱۱، ۳، ۱۹۷۸

رقعی بسیار عزیز

خانم ژاله ، بی بی جان

با تأخیر زیاد پاسخ نامه های عزیزتان را می نویسم . زکام و سرماخوردگی پی در پی که بارها مرا بی وقفه  
 زمستان اسال زدند به ایضا نبود مانع شد که بمرور جواب نامه های تان را بنویسم . رازدلیکیت  
 فریادم فرید بر حمت شد در راهانه نشین رو . اکنون چند روز است که با گرم شدن هوا جام بهتر شده  
 بقی از هر سخن محبت نوروز را از هم قلب شاد و ستان قدیم و شیرین عزیزتر بر یک میگویم و آرزو دارم که  
 در سال نو همیشه تندرست و شادمان و موفق باشید .

خانم ژاله عزیز ، شادمان که وصف حال پدید این امیدوار بود با حفظ رذلت وافر خودم و  
 به آفریننده اش آفرین ؟ گفتم مخصوص باین سخن گذر بارش :

دل بدیامینزد بر کس دل دارد چو دریا

نیت باکی مرغ توغان را زخم نم آید باران

چند ماه پیش از مرداد عزیز نامه ای داشتم هنوز فرصت نکردم که جوابش را بنویسم . امیدوارم که  
 کارش رو بر راه باشد . خیلی مشتاق دیدار تان هستم . امیدوارم که بزودی در غرب این سعادت  
 نصیبم شود . با اجازت دنباله نامه را بر سر بیج می نویسم .

شکس عزیز کتاب تو رسید . هنوز موفق نشدم تمام کتاب را بوقت مطالعه کنم . دل خود  
 این ایضا که نخستین بار (فکر کنم نخستین بار باشد) چنین کتاب جمع و جویبار در باره نوشته ام  
 توسط شما ایران نوشته میشود قابل تقدیر است . البته نظرات هم دارم که در فرصت مناسب

برای فراهم نوشتن. ضمن بنام آن نویسنده که در آنجا چندین سالها در باره ایران  
 در آمده نظرم بیشتر در باره تاریخ قرون گذشته ایران است. همیشه پیش تر ترجمه کتاب  
 پژوهشهای - و لاف سیدان را دادیم که در ایران چاپ شده بود. سید ایران  
 اجازه نوشتن ترجمه این کتاب را میداد. خود مرکز تحقیقات ایران کتابی است و بهتر  
 از همه از این کتابها خبردارا. لطفاً اگر چنین کتابی در دست دارید برایم بفرستید  
 پس از استفاده همانا برایم پس فراهم فرستاد. من قسمتی از وقتم صرف ترجمه آن کتاب میشد.  
 نامه را همین جا پایان میدهم. با درود برایم سید من و کوفی روز افزون آرزوی خیر است  
 مودت

